



خبر

بهترین سخنرانی‌ها در سخن و سخنوران

«سخن و سخنوران» عنوان کتابی است نوشته بدیع‌الزمان فروزانفر در شرح احوال و نقد و سنجش آثار ۵۵ نفر از نامورترین شاعران پارسی‌گوی قرن‌های سوم تا ششم هجری. عنوان سخن و سخنوران اولین بار اول آبان به گوش رسید و اکنون به برنامه‌ای گفته می‌شود که هر شب از رادیو فرهنگ به گوش خواهد رسید.



برای آغاز این مجموعه برنامه که از اول تا چهارم آبان ۱۴۰۰ ادامه دارد، سخنرانی منحصر به فرد استاد شادروان دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در دانشگاه هاروارد درباره رابطه شمس و مولانا ارائه خواهد شد همراه با مقدمه‌ای شنیدنی از دکتر احمد مهدوی دامغانی استاد دانشگاه هاروارد. درباره زندگی و خدمات ادبی و فرهنگی استاد زرین‌کوب.

برنامه سخن و سخنوران که هر شب پخش می‌شود بر سخنان کمتر شنیده‌شده‌ای تمرکز دارد که ارزش وقت شنوندگان مشتاق علم و هنر خود را داشته باشد. سخنان ناب و ارزنده بزرگانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، پرویز ناتل خانلری، ذبیح... صفا و ... از سخنوران نامدار در این مجموعه برنامه به شیفتگان فرهنگ و علم و هنر تقدیم خواهد شد.

پخش این برنامه از اول آبان روی موج اف ام ردیف ۱۰۶٫۷ رادیو فرهنگ خواهد بود و از وب سایت رسمی رادیو فرهنگ و دیگر سامانه‌های رادیویی در سراسر جهان قابل دریافت است توسط محمد حسینی باغسنگانی تالیف و تهیه خواهد شد وگوینده معرفی سخنوران و بازشناسی موضوعات مورد بحث بهروز رضوی چهره نامدار رادیو و صداست.

پایان تصویربرداری «سرجوخه»



در آستانه پخش سریال «سرجوخه» تصویربرداری این سریال با گذشت یک سال به پایان رسید.

به گزارش جام جم، ساخته تازه احمد معظمی و ابوالفضل صفری پاییز سال گذشته کلید خورد و تاکنون در لوکیشن‌های متعددی در داخل و همچنین خارج از کشور ضبط شده است.

در آستانه پخش این سریال تازه، جشن پایان تصویربرداری آن برگزار شد و امور فنی کار نیز آخرین مراحل خود را پشت سر می‌گدارد.

«سرجوخه» که پخش آن به دلیل پاره‌ای از مشکلات به تعویق افتاده بود؛ از امشب ۳ آبان روی آنتن شبکه سه می‌رود.

حمیدرضا محمدی، سامان صفاری، آرش آصفی، نیلوفر کوخانی، نازنین کیوانی، عبدالرضا نصاری، هژیرسام احمدی، قربان نجفی، سوتلانا سوپیلنیاک، حبیب دهقان نسب، علی اوسینود، پیام احمدی نیا، سیاوش گرجستانی، علیرضا جلالی تبار، حمیدرضا هدایتی، حسن اسدی، نیلوفر شهیدی، افسانه کامی، مریم وحیدزاده، علی غلامی، پارسیا شکوری، مینو شیخان، احمد پورخوش، مهدی علیپور و صالح صامری بازیگران «سرجوخه» هستند.

«سرجوخه» در ۳۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای براساس متنی از حسین امیرجپانی از امشب ساعت ۲۰:۴۵ روی آنتن خواهد رفت.



دوره جدید پویش «من کتاب می‌خوانم» در رادیو ایران

به مناسبت فرارسیدن ماه آبان و هفته کتاب و کتابخوانی، رادیو ایران « دوره جدید پویش من کتاب می‌خوانم» را برگزار می‌کند.

به گزارش شبکه رادیویی ایران، پدا... گودرزی مدیر گروه فرهنگ و اندیشه رادیو ایران گفت: دوره جدید پویش «من کتاب می‌خوانم» این بار با معرفی

دنبال قومیت بودیم نه فاصله طبقاتی

🗣️ برای نخستین بار مهاجران افغانستانی محور سریالی تلویزیونی قرار می‌گیرند. چطور شد که این ماجرا شکل گرفت و این‌که همزمان با وقایع افغانستان مورد توجه مخاطبان هم قرار گرفت؟

علی پورکیانی، تهیه‌کننده: آخرین سریالی که من کار کردم ماه رمضان سال ۹۷ با آقای عسگریور بود. بعد از آن در جلسه‌ای با آقای آذرپندار طرحی خانوادگی معمایی را ارائه کردم که قرار بود کار کنیم اما اسفند همان سال آقای آذرپندار طرح و ایده‌ای را درباره عشق یک پسر ایرانی به دختری که بعدها متوجه می‌شود افغانستانی است، مطرح کرد. من از این طرح خیلی خوشم آمد. چون تصور من هم از افغانستانی‌ها کارگران ساختمانی و سرایدارها بود که بیشتر می‌دیدیم. خاطرم هست با یکی دو نویسنده هم پیش از این درباره فیلمنامه سریال صحبت کردیم اما خوشم نیامد تا این‌که به ته‌مینه بهرام و ارسلان امیری رسیدیم که طرحی نوشته بودند و تصویب شد. بنابراین ایده اصلی کار از طرف شبکه و آقای آذرپندار بود که درباره مهاجران افغانستانی صحبت شود، ولی با این محوریت که یک پزشک ایرانی دل‌داده دختری افغانستانی شود. البته نمی‌خواستیم فاصله طبقاتی را نشان بدهیم و می‌خواستیم قومیتی‌اش کنیم. چون بیشتر مردم تصور می‌کنند افغانستانی‌ها در جنوب شهر زندگی می‌کنند. بنابراین سعی شد این خانواده سطح اجتماعی بالایی

جذابیت های قصه و فیلمنامه

🗣️ شما پیش از این‌که وارد این پروژه شوید چقدر از این قومیت شناخت داشتید و آیا اطلاعات را با نویسنده‌ها در میان می‌گذاشتید؟
محمد حسین غضنفری، کارگردان: من خیلی دیر وارد این پروژه شدم. البته از ابتدای کار در جریان فیلمنامه بودم. چون رفاقت من و آقای پورکیانی به گونه‌ای است که در همه کارها با هم بحث تدوین داریم. به همین دلیل مدام قصه را برای من تعریف می‌کرد و من در جریان تغییرات فیلمنامه قرار می‌گرفتم. بنابراین چون من جبر وارد پروژه شدم فقط بحث اجرایی و کارگردانی کار با من بود و من فقط فرصت داشتم متن را تصویری و اجرایی کنم. البته که فیلمنامه را پیش از کار خوانده بودم اما از نگاه و زاویه تدوین.
پورکیانی: من هر کاری که انجام می‌دهم کار تدوین را به آقای غضنفری می‌دهم. ضمن این‌که برابرم خیلی مهم است که اول فیلمنامه را

واسطه‌هایی که تهیه‌کننده شدند!

🗣️ شما این اواخر خیلی سخت پیشنهادهای تلویزیونی را می‌پذیرید. ضمن این‌که گله‌مند از آخرین سریالی بودید که بازی کردید، حتی بارها در مصاحبه با رسانه‌ها گلابه خودتان را مطرح کردید. بنابراین چطور شد که به این گروه اعتماد کردید و شخصیت دایی پرویز چه جنبایتی برای شما داشت که شما را ترغیب به بازی در این سریال کرد؟

مجید مظفری، بازیگر نقش دایی پرویز: پیش از این‌که من در آن سریال که بعدها گلابه‌مند شدم، بازی کنم خیلی از دوستان درباره برخی از تهیه‌کنندگان تلویزیونی به من هشدار دادند، اما اهمیتی ندادم.

از ابتدا هم قصه آن سریال را دوست نداشتم و نمی‌خواستم با تهیه‌کننده آن سریال کار کنم. متأسفانه نقش برخی تهیه‌کننده‌ها در تلویزیون تغییر کرده و بیشتر نقش واسطه را بازی می‌کنند تا تهیه‌کننده‌ا از بازی در آن سریال دلخوری داشتم زیرا هنوز هم با من و خیلی از عوامل تسویه نکرده‌اند. اما در این بین تهیه‌کنندگان حرفه‌ای و باوجدانی هم مثل زنده‌یاد مجید اوچی هستند که خودرویش را برای پول عوامل فروخت یا آقای پورکیانی که بسیار حرفه‌ای در این سریال برخورد کرد. از طرفی به

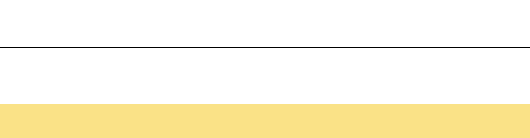
یک مادر مهربان افغانستانی

🗣️ شما در این سریال نقش مادر نورا را به شدت خوب و شیرین و باورپذیر بازی کردید. بنابراین برای این نقش و بازی با گویش افغانستانی ما به ازایی داشتید که تا این حد خوب و باورپذیر بودید یا سوابق تئاتری‌تان در این سریال به کمک‌تان آمد؟

مریم کاظمی، بازیگر نقش عالیّه: طبیعتا هر بازیگری که می‌خواهد نقشی را بازی کند، چیزی در درون او وجود دارد که پنهان است و باید به عین تبدیل شود. من هم برای هر نقشی که قرار است بازی کنم، دنبال یک تصویر بیرونی و فیزیکال درباره آن می‌گردم که آن شخصیت چطور حرف می‌زند، چطور راه می‌رود و چگونه رفتار می‌کند. بنابراین الزاما به این معنی نیست که ما به‌ازایی برای هر نقشی داشته باشیم. مثلا این‌که الزاما برای این سریال با یک خانم افغانستانی دوست شده باشم. ولی از آدم‌هایی که روزمره می‌بینم یا به آنها در ارتباط هستم و در واقع از کاراکترهای واقعی اطرافم کمک می‌گیرم. نه این‌که از بازیگر دیگری که قبلا چنین نقشی را بازی کرده الگو بگیرم یا بازی او را تقلید کنم. درباره لهجه هم باید بگویم که اصلا چیز پیچیده‌ای نیست. چون آقای پورکیانی برای ما کلاس گذاشت، مشاور لهجه داشتیم و تمرین کردیم. به نظرم تمرین معجزه می‌کند. لزومی نداشت از قبل با چنین لهجه‌ای آشنا باشیم. از طرفی وقتی

مریم کاظمی

کتاب‌های الکترونیک آغاز به کار می‌کند. وی ادامه داد: از مخاطبان فرهیخته رادیو ایران دعوت می‌کنیم در هفته کتاب و کتابخوانی، رایا کتاب (کتاب الکترونیک) به دیگران معرفی کنند و از رادیو ایران جایزه دریافت کنند. گودرزی افزود: علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی کافی است «رایا کتاب» یا همان کتاب



از رادیو به تلویزیون



داشته باشد. اما این‌که در واقعیت هم خانواده‌های افغانستانی زیادی هستند با سطح درآمد بالا که در ایران فعالیت اقتصادی می‌کنند. یا این‌که نسل دو و سه آنها با هم فارسی صحبت می‌کنند که در ظاهر اصلا مشخص نیست افغانستانی هستند. ضمن این‌که کابل برای ده‌ای از آنها اصولا غریبه است و دوست ندارند از ایران بروند.

به ایشان بدهم که بخواند.

غضنفری: چون از دید تدوین به فیلمنامه نگاه کرده بودم، ایده‌هایی که می‌دادم مربوط به این بخش از کار بود. اما وقتی به عنوان کارگردان وارد کاری می‌شوی موضوع خیلی فرق می‌کند و فیلمنامه را باید به گونه‌ای دیگر بخوانی. اما قصه این سریال به قدری روان و شیرین بود که نیازی به تغییر نداشت گرچه از نظر من هیچ کاری بی‌نقص نیست.

🗣️ وقتی از زاویه تدوین فیلمنامه را مطالعه می‌کردید قصه برایتان به قدری جذاب بود که دوست داشته باشید خودتان آن را بسازید؟

غضنفری: قصه به قدری برای من جذاب بود که من از ابتدا می‌گفتم خوش به حال کارگردانی که می‌خواهد این قصه را بسازد.

پورکیانی: البته شخصیت من برایش جذاب‌تر است (همه می‌خندند).

علی پورکیانی



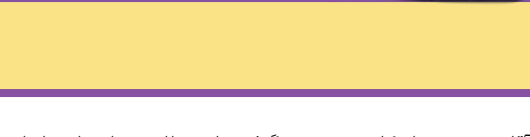
خطر کرونا وقتی یک نفر ناراحتی کوچکی برایش پیش می‌آمد، بلافاصله گروه پزشکی را سر صحنه می‌آورد تا از همه تست بگیرند. اهمیتی که ایشان در طول تولید به کار می‌داد برایم بارزش بود. نقش پرویز هم برایم جالب بود و وقت زیادی از من نمی‌گرفت. گروه هم بسیار حرفه‌ای بود و با کسی مشکلی نداشتم. با این حال اعلام می‌کنم که سریال «هم سایه» آخرین سریالی است که بازی می‌کنم.

🗣️ حتی اگر پیشنهاد و سوسه‌کننده‌ای از جانب تهیه‌کنندگان حرفه‌ای تلویزیون داشته باشید؟

مظفری: به هیچ وجه. چون وجود برخی تهیه‌کنندگان غیرحرفه‌ای و واسطه‌گر، انگیزه کار کردن را از آدم می‌گیرد.
پورکیانی: اتفاقا زمانی که برای این سریال با ایشان تماس گرفتم چند بار با پاسخ منفی مواجه شدم و به دلیل دلخوری از پروژه‌های قبلی نمی‌خواست در این سریال هم بازی کند. اما با اصرار من پذیرفت به دفتر بیاید و با هم گپ بزنیم. ما هم تلاش کردیم در این سریال حضور پیداکند.

مظفری: بی‌توجهی و بی‌احترامی به بازیگری که حدود ۵۰ سال است در این حرفه کار می‌کند اصلا خوشایند نیست.

مریم کاظمی



آقای غضنفری وارد کار شد تصمیم گرفت مادر نورا از بقیه اعضای خانواده کمی غلیظ‌تر صحبت کند. البته گاهی بعضی جملات برای من سخت بود اما باتمرین و کمک‌ها سعی خودمان را کردیم.

🗣️ نقش مقابل خیلی خوبی هم داشتید؟

کاظمی: بله. آقای سجادی حسینی خیلی با انرژی و همین طور نورا جان خیلی خوب کار کردند. به هر حال نقش مقابل خیلی روی کار بازیگر مقابل می‌تواند تاثیر گذار باشد.

🗣️ آقای غضنفری چرا شما روی غلیظ صحبت کردن مادر نورا تاکید داشتید؟

غضنفری: وقتی با آقای پورکیانی هم صحبت کردیم قرار بر این شد که به دلیل این‌که مادر مدام در خانه است غلیظ‌تر صحبت کند و پدر که در محیط کار هم حضور دارد کمتر به‌جه‌ها چون متولد ایران هستند، می‌توانستند فارسی صحبت کنند. البته در لحظات خیلی عاشقانه و دراماتیک به‌جه‌ها می‌توانستند کمی وارد این لهجه شوند.

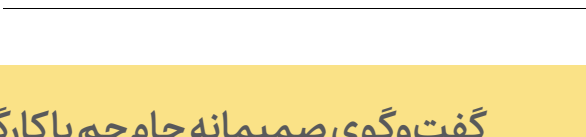
🗣️ البته خانم سیفی در خلوت مادر دختری با گویش افغانستانی صحبت می‌کرد؟

غضنفری: بله دقیقا جاهایی که حس و حال داشت. اتفاقا زمانی که نورا با بشیر که افغانستانی است، در لحظه‌ای که در مورد نادیه می‌خواهد اطلاعاتی از او بگیرد با آن گویش صحبت می‌کند. یعنی جاهایی که خیلی مهم بود.

الکترونیک مورد نظر خود را در یک قطعه صوتی حداکثر سه دقیقه‌ای معرفی کنند و از طریق تارنمای رادیو ایران به نشانی www.radioiran.ir ارسال کنند.

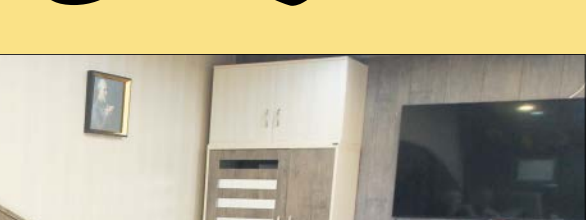
مدیر گروه فرهنگ و اندیشه رادیو ایران در پایان یادآور شد: هر رایا کتابی که می‌شناسید معرفی کنید تا دیگران هم بهره ببرند.

زینب علیپور طهرانی



رسانه

زندگی در



🗣️ اگر از مخاطبان سریال «هم سایه» باشید که در این مدت روی آنتن شبکه سه بود، با یک داستان جدید و روابط انسانی و موقعیت‌های دراماتیک بسیاری روبه‌رو بودید که در آن یک پسر ایرانی به نام حافظ جهانبخش دل‌داده دختری افغانستانی به نام نورا جعفری شد و مسیر پریچ و خمی را طی کردند تا در نهایت هر دو توانستند موانع و مشکلات را از سر راهشان بردارند. در این مجموعه چهره‌های جوانی در کنار بازیگران نام آشنا

آشنایی با فرهنگ افغانستان

🗣️ چرا ما فرهنگ افغانستان را در این خانواده کم دیدیم. فقط در یک سکانس مخاطب با غذایی روبه‌رو شد که مربوط به افغانستانی‌هاست. آیا نمی‌شد این فرهنگ را در غذا یا پوشش مادر که اصیل‌تر است بیشتر نشان داد؟

غضنفری: شاید ضعفی که در این کار وجود داشت به همین نکته شما برمی‌گردد. متأسفانه ما فقط یک بار توانستیم سکانس غذا خوردن این خانواده را نشان بدهیم. می‌شد که بیشتر به فرهنگ این خانواده پرداختیم.

کاظمی: اگر هم بیشتر می‌شد از حالت طبیعی خارج می‌شد و حالت تزیینی و ویتروینی پیدا می‌کرد. کسی که ۴۰ سال است در ایران زندگی می‌کند، دیگر لباس افغانستانی نمی‌پوشد.

غضنفری: شاید می‌شد که مادر خانواده را در حال پختن شیرینی دید که بیشتر نمادی از زندگی آنها را به مخاطب نشان داد.

پورکیانی: به ذهنمان رسید این کار را کنیم. اما اگر وارد زندگی افغانستانی‌هایی شوید که چند دهه است در ایران زندگی می‌کنند متوجه می‌شوید که شبیه ما زندگی می‌کنند. ما با مشاور لهجه که خودش افغانستانی است در این زمینه صحبت کردیم. یکی از نویسنده‌های ما هم خودش قبلا مسندتی مرتبط با این موضوع ساخته بود و حدود دو سال در این زمینه تحقیق کرده بود. اصلا ما دارن افغانستانی با پوشش سنتی زندگی نمی‌کنند. حتی دختری که در ایران متولد شده اصلا لباس سنتی نمی‌پوشد. پوششی

اصرار پرویز برای ازدواج نگار و حافظ

🗣️ آقای مظفری با توجه به نقشی که در این سریال بازی کردید و اینکه پرویز آدم تحصیلکرده‌ای اس کمی برای مخاطب غریبالق باور است که با توجه به جامعه امروز را بنقدر اصرار روی ازدواج دخترش حافظ دارد؟

پورکیانی: شما اگر پدر بودید و دختر داشتید هیچ وقت دخترتان را دست هر کسی نمی‌د (همه می‌خندند)

مظفری: من به دلیل این‌که خودم پدر هستم و یک دختر دارم و دخترم مادر ندارد با شخص پرویز همذات پنداری می‌کردم و احساس آن پدر را نسبت به دخترش و آینده‌اش می‌کردم. من بارها با نویسنده و تهیه‌کننده در این باره صحبت کردم که یک دایی برای و خواهرزاده‌هایش کارهایی انجام داده اما خوب نیست که از اول تا آخر سریال مدام به می‌گوید من تو را بزرگ کردم. در هر سکانس خوب نیست. با این حال باید آن حس و ح پدر را داشته باشید تا متوجه رفتار پرویز شوید. از طرفی دخترش حافظ را دوست دارد. هم به خاطر دل دخترش تمایل به ازدواج این دو نفر دارد و مدام از دخترش و خواست حمایت می‌کند.

غضنفری: اتفاقا بخشی از کار هم تعمدی است. یعنی این تکرار باید می بود تا حافظ، ن پس بزند. بنابراین باید عاملی باشد که حافظ از نگار جدا شود.

🗣️ البته که دیدار حافظ با نورا باعث دلزدگی او از نگار می‌شود؟

پورکیانی: نه این طور نیست. حافظ از همان ابتدا در ازدواج با نگار به دلایلی که مدام می‌شود، تردید دارد. اما نورا که می‌بیند متوجه می‌شود عشق واقعی این است و ازدواج قطعاً منجر به جدایی خواهد شد. از طرفی پرویز هم به خاطر علاقه دخترش به حافظ راضی ب ازدواج است.

سیفی: باید به این نکته توجه کنیم که فاصله نگار و حافظ به قدری زیاد است که حتی اگر هم وجود نداشت باز هم ازدواج آنها به بن بست می‌رسید و اگر ازدواج هم می‌کردند قطع می‌شدند. چون اصلا برای هم مناسب نیستند. حافظ هم یک سری نقاط مشترک بین خود و نورا پیدا می‌کند و به همین دلیل به او گرایش پیدا می‌کند. اتفاقا من نظر داشتم که می‌ت نورا باعث جدایی نگار و حافظ شد در صورتی که اصلا این طور نیست و نورا در ابتدا نمی‌دان

که در زندگی حافظ دختری به نام نگار وجود دارد که قرار بوده با هم ازدواج کنند.
پورکیانی: اتفاقا ما از ابتدا نشان دادیم که ازدواج حافظ و نگار کلاسیک است. حتی اگر نورا نمی‌دید در دوران نامزدی متوجه می‌شد که ازدواج با نگار درست نیست و به بن بست می‌ر